

مردم

مرکزی حزب توده ایران

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس جمهوری دموکراتیک ویت نام

درخشان نائل آمدند.

بیکار قهرمانانه مردم ویتنام علیه متجاوزان امریکائی به جنبش آزادی بخش ملی سراسر جهان نیروی تازه ای بخشیده است. نیروی جنگی عظیم امپریالیسم امریکا در برابر اراده آهنین خلق قهرمان ویتنام زبون از کار درآمد. رزمندگان ویتنام که از کمک و پشتیبانی مادی و معنوی یلدریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و از پشتیبانی تمام جامعه ترقیخواه بشری برخوردارند ضرات دردم شکن بر امپریالیسم امریکا و دست نشاندهگان سائیکونی دنیاله در صفحه ۷

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام!
رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و تمام اعضای حزب ما بیست و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام را بشما و توسط شما بشما خلق قهرمان ویتنام صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید.
تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام واقعه دارای اهمیت تاریخی عظیم بود. مردم ویتنام تحت رهبری حزب پر افتخار زحمتکشان ویتنام و پیشوای بزرگ آن هوشی مین در کلیه نشئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به کامیابیهای

درباره خلیج فارس

یعنی سه کشور که مجموعاً ناحیه بزرگی از خلیج را مالکند رسماً اعلام داشته اند که با حضور نیروهای انگلیس در خلیج مخالفتند. شاه ایران و نخست وزیر مکرر این مطلب را تصریح کرده اند و وزیر خارجه کویت پس از مسافرت زاهدی بکویت اعلام داشت که «حکومت کویت با باقیماندن نیروهای نظامی انگلیس در خلیج فارس موافقت نخواهد کرد و این مسئله را بدولت بریتانیا اطلاع داده است.» همچنین شفاف وزیر امور دنیاله در صفحه ۳

با افتادن حکومت در انگلستان بدست حزب محافظه کار مسئله خلیج فارس بار دیگر در برنامه روز کشورهای مجاور خلیج فارس و انگلستان قرار گرفته است. بطوریکه معلوم است این حزب قبل از تجدید انتخابات در انگلستان اعلام داشت که اگر پیروز شود تصمیم دولت «کارگری» را مبنی بر خروج نیروهای انگلیس از مناطق ماوراء سوئز در سال ۱۹۷۱ لغو خواهد کرد. هیئت سر دسته حزب محافظه کار و نخست وزیر فعلی انگلستان در سال پیش ضمن مسافرت بایران و مناطق خلیج مخالفت خود را با خروج نیروهای انگلستان از این منطقه بعنوان تقاضای «دوستان و متحدان» خود در خلیج فارس صریحاً اعلام داشت. اینک محافظه کاران به حکومت رسیده اند و باید سیاست خود را در این مسئله روشن سازند. از اظهارات ملکه انگلستان هنگام گشودن پارلمان انگلستان در باره خلیج فارس و هوم وزیر خارجه انگلستان پس از ملاقات با شاه ایران در ۱۹ تیرماه در بروکسل و بویل معاون وزارت خارجه انگلستان چنین بر میآید که حکومت محافظه کار با وضع نوینی در خلیج فارس مواجه شده است. این وضع جدید از آنجا ناشی است که حکومت ایران، عربستان سعودی و کویت

«ملت مسئول»

آن رسیده است که ملت مسئول ما مسئولیت های ملی را بعهده گیرد. اجازه دهید عین احتجاجات اطلاعات را نقل کنیم:
اطلاعات مینویسد:
«برای آنکه ایران جاودانه در مسیری که با این جهش انقلابی آغاز کرده است پیش برود و دیگر باره دستخوش توقف و رکود نشود باید ملت ایران خود را هرچه بیشتر نسبت بانقلاب و نسبت بسرنوشت مملکت مسئول حس کند... همانطور که شاهنشاه ما با آن دید وسیع و از چشم انداز یک رهبر دور اندیش عاقبت بین، با آینده می نگرند و میفرمایند «بهرحال فرد قانی است» و برای آنکه مملکت باقی بماند نباید مطلقاً بفرود ایستاده و متکی باشد وقت آن رسیده است که مردم ایران بعنوان یک ملت مسئول وظایف و مسئولیتهای خود را در قبال مسائل ملی زمان خودشان در یابند و در تعیین سرنوشت مملکتشان سهیم شوند.»
و در جای دیگر:

تیر ماه سال جاری روز نامه «ات» که سخنگوی غیر رسمی رژیم، سلسله سر مقاله تحت عناوین پر نگاشته است. نه تنها این عناوین بلکه آنها نیز نظر را جلب میکنند.
نجله است سر مقاله هائی تحت عنوان شول و مسئولیتهای ملی»، «رهبران نقش هر کدام در ساختن تاریخ»، «کهنه در جامعه نوین» (۱) این ها علی رغم ظاهر باصطلاح «ژرف» و «علمی» آنها از انواع احکام آمیز و عامیانه در یک سلسله از مسائل اجتماعی اشیاست که ما قصد نداریم که با آن مطالب بشویم (۲) هدف نوشته بررسی یک نکته مرکزی در مقالات نامبرده با الحان مختلف بوده است و آن اینکه، دیگر وقت

«همه چیز در این سر زمین بوجود یک ملت مسئول بستگی دارد. ملتی که افراد آن یکایک خود را نسبت بمسائل مملکت و سیر تاریخی جامعه خودشان مسئول حس کنند...»
دنیاله در صفحه ۲

نیم قرن مبارزه دشوار

روزنامه «رودپراوو» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در شماره ۲۴ ژوئن سال ۱۹۷۰ خود بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران مقاله ای تحت عنوان «نیم قرن مبارزه دشوار» منتشر کرده است که ما ترجمه آنرا از نظر خوانندگان عزیز میگذاریم:

روز ۲۲ ماه ژوئن سال جاری پنجاه سال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد. در گذر سه دهه سوسیال دموکراتهای ایران که در بنابر اترلی (پهلوی کنونی) در ساحل بحر خزر تشکیل شده بود، این حزب به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد. این گذرگاه در دوران اعتدالی بر توان جنبش انقلابی تحت تأثیر پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر دنیاله در صفحه ۵

باز هم هشدار میدهیم

گذرگاه اخیر فدراسیون دانشجویان آلمان غربی رسماً از طرف هیئت کنفدراسیون اعلام شد که «فروز همکار سازمان امنیت است. او بهمین کنفدراسیون اخراج شد.»

روز فولادی کیست؟ این شخص را آن ایرانی در کشورهای غربی، او یکی از «رهبران» گروههای نی بود. او یکی از دبیران سابق بیون بود. او یکی از پر حرارت کینه توزترین کسانی بود که روش ای و ضد شوروی را در لباس «در جنبش دانشجویی دنیاله میکرد. معلوم شده که این آقای «انقلابی» ازمان امنیت است!

پرچم نبرد انقلابی را برافراشته نگهداریم

ضعف و تسلیم طلبی گروهی از مائو-نیست ها بحث وسیعی را در بین اروپوزیسیون ضد رژیم برانگیخته و واکنشهای گوناگون و گاه متضادی را موجب شده است. روشن است که این توجه و این واکنشها بخاطر «شخصیت» تسلیم طلبان نیست، بلکه به علت سیاست و روشی است که آنها در گذشته داشته اند و این سیاست و روش هنوز هم از جانب عده ای دنبال میشود. و درست بهمین جهت ما هم لازم میدانیم که به بررسی این واکنشها بپردازیم.

ضعف و تسلیم طلبی توجیه پذیر نیست مائوئیستها که در آغاز میکوشیدند

تسلیمیت

با نهایت تأسف از در گذشت بانو صفیه اسکندری مادر گرامی رفیق ارجمند ما ایرج اسکندری دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاع یافتیم. بدینوسیله از طرف هیئت تحریریه رفیق اسکندری صمیمانه تسلیمت میگوئیم.

«مردم»

«ملت مسئول»

بدین ترتیب روزنامه رسمی و نزدیک بحافل دربار از آن صحبت میکند که « وقت آن رسیده است » که مردم در تعیین سر نوشت کشور سهیم شوند و خود را نسبت به مسائل و سیر تاریخی جامعه مسئول حس کنند زیرا فرد یعنی شاه فانی است و این ملتست که جاوید و برقرار است .

اطلاعات در واقع با جمله مملکت « نیاید قطعاً به فرد وابسته و متکی باشد » بوجود حکومت فردی و مطلقه در شرایط کنونی تلویحاً اعتراف میکند ولی بهر جهت جمله او محتوی این نظر است که دوران چنین حکومت فردی و مطلقه ای بسر رسیده است !

ما در باره اینکه « وقت آن رسیده است » و یا همیشه این امر میبایست تحقق یابد و لااقل از مبداء انقلاب مشروطیت قانون اساسی یا خاتمه دادن به سلطنت مطلقه و اعلام اینکه همه قوای مملکت ناشی از ملت است رسیدن این وقت را بیش از شصت سال پیش اعلام داشته ، بحثی نمیکند و از همینجا آغاز میکنیم که آیا رژیم کنونی برای تحقق امری که وقت آن رسیده است چه کرده و چه میکند ؟

آیا در کشوری که آزادی احزاب و اجتماعات و مطبوعات نیست ، انتخابات آزاد رؤیائی بیش نیست ، حق انتقاد و ابتکار و بروز آزادانه افکار و اراده مردم واقعیت خارجی ندارد ، چگونه میتوان ملت را آنطور که اطلاعات میگوید « در تعیین سرنوشت کشور سهیم کرده و در ابصطلاح این روزنامه « مسئول سیر تاریخی جامعه » دانست ؟ آیا در کشوری که شبکه خرچنگی - ساواک - همه جا را در قبضه گرفته ، حکومت فردی جانشین اصول مشروطیت شده ، دادگاههای نظامی با نقض همه مقررات عادی دادرسی احکام غلاظ و شداد صادر میکنند ، دستگاه بوروکراتیک متفرعن و ضد خلقی بر جامعه حکمرواست چگونه میتوان دم از « ملت مسئول » زد ؟ آیا احزاب ساخت دولت ، مجلسهای ساخت - ساواک - ، مطبوعات کنترل شده و فرمایشی میتوانند ارگانهای مسئولیت عمومی و شرکت عمومی در سرنوشت کشور باشند ؟

در قبال این واقعیات تلخ ، آن جملات پر طنطنه چه معنایی دارد ؟

یکی از شرایط مقدماتی تأمین شرکت ملت در سرنوشت خود اجراء موازین قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم است. فقط در این صورتست که سازمانهای سیاسی واقعی مردم به فعالیت دست میزنند و در جریان یک انتخاب آزاد مجلسی که دیگر مجمع مأموران - ساواک - نیست پدید میآید و دولت تحت کنترل ولو نسبی افکار عمومی قرار میگیرد و بدین ترتیب دخالت مردم در سرنوشت تا حدی محلی از اعراب مییابد .

واقیعت روزمره نشانه ای از تغییر روش مستبدانه و خود سرانه رژیم با خود ندارد .

در همین روزها که این سطور نوشته میشود عده ای از نویسندگان و شاعران را بجرم آن که میخواهند اتحادیه مستقل خود را داشته باشند بازداشت کردند و عده ای از روحانیون حوزه علمیه قهرمانان زندان انداختند و آیت الله سعیدی را بگناه داشتن نظریاتی که مطبوع - ساواک - نبود در زیر شکنجه کشتند . این واقیعت تنها آخرین خطوط از یک فهرست بسیار طولانی تبهکارانه است که رژیم موجود از آغاز استقرار خوش مرتکب شده است . برای آنکه بعثت در مرحله پنداره های باطل در باره نات رژیم نمایم خوبست از شاه در باره درک او از دموکراسی نقل قول بیاوریم . وی در پیام اخیر خود بمناسبت سالروز مشروطیت در واقع پروسه « دموکراسی ارشادی » را توضیح میدهد و چنین میگوید : « میدانیم دموکراسی واقعی قبل از هر چیز مذکی به رشد و آمادگی روحی افراد برای قبول مسئولیتهای فردی و اجتماعی است و تا وقتی که افراد یک ملت از چنین رشد و آمادگی فکری برخوردار نباشند ، دموکراسی در آن مملکت جز عنوان ظاهری و بی محتوا نمیتواند بود . »

روش رژیم عملاً و صریحاً نشان میدهد که وی عقیده ندارد که ملت ایران (که یکی از نخستین انقلابهای بورژوا - دموکراتیک آسار را انجام داده است) تا کنون نیز پس از گذشت تقریباً ۶۰ سال از رشد و آمادگی فکری برخوردار باشد . طرح مسئله « رشد و آمادگی فکری » برای دموکراسی و مقایسه آن با سیاست ضد دموکراتیک دولت استنتاج دیگری را در این زمینه مجاز نمیکند . اتفاقاً پرویز نیکیخواه « انقلابی » سابق که این اواخر خود را تا مقام پرافتخار « منادی رژیم » ارتقاء داده در پاسخ به « کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی خارج از کشور » مطالب را بی پرده مطرح میسازد و مینویسد :

« در جایی دیگر مدعی شده اید که من گفته ام در ایران دموکراسی سیاسی به شوه کشورهای غربی وجود دارد . خیر من گفته ام استقرار دموکراسی سیاسی بشوه کشورهای غربی برای ایران در این مرحله از تحول جامعه صنعتی و کشاورزی سم است و همچنان که شاهنشاه در این مورد تذکر داده اند تنها از طریق رشد اقتصادی و فرهنگی میتوان در کشور رو به توسعه با سابقه ای چون سابقه کشور ما به دموکراسی واقعی سیاسی رسید . رأیت دموکراسی خواهی را اینک بر افراشتن ، آنهم بشوه کشورهای غربی ، دقیقاً عارتست از رأیت کیسه دوزی و غارت مردم بشوه ای دیگر . »

این عنصر تسلیم طلب عبارات اربابان نوگزیده خود را روشن تفسیر کرده است : دموکراسی سیاسی برای ایران سم است زیرا باید در ابتدا رشد اقتصادی و فرهنگی حاصل شود و امروزه مطالبه دموکراسی « کیسه دوزی » برای غارت مردم است ! شخص متحیر میاند با این بیانات صریح دستگاه ، سر مقاله نویس اطلاعات از « ملت مسئول » و « شرکت ملت در سرنوشت

ارزیابی وضع کنونی ایران

از لحاظ جنبش

(گفتگویی با رفقای حزبی ما در)

نبرد مردم با صداقت و فداکاری شرک و در عین حال از شعارهای شتاب اقدامات حادثه جویانه بیرهنزند و با سنجیده جاده یک پیروزی مطمئن ا هوار نمایند . ما بین این نظریه حزب ادعا که هم اکنون وضع در کشور است و بهمین جهت باید بقوریت شعار تزکی را شعار عمل قرار داد یعنی تا آنکه مبرم ما باید سرنگونی رژیم تفاوت جدی و اساسی وجود دارد . برچیدن بساط رژیم موجود و ا یک حکومت ملی و دموکراتیک هدف تزکی ما در مرحله انقلاب کنونی است روی و ماجراجویی است که ما این استراتژیک را جانشین هدفهای تا که سازیم . اتخاذ روشهای چپ روانه و جوانه در شرایط تسلط ارتجاع باینج میشود که هسته های سازمانی منهدم می مبارزان صدیق بدام میافتند ، نهضت پانم ارتجاع از ناکامیهای مبارزه برای بسط رع و یأس و عدم اعتماد استفاده می کار پیشرفت آتی حزب و نهضت با دشوار تر میشود .

ما برفیق نویسنده نامه و رفقای حزبی که ممکن است تحت تأثیر این تحلیل های احساسی قرار گرفته باشند باش میدهم . کسانی که خود را به طبقه کارگر ایران متعلق میدانند باید حزبی را در فکر و عمل حفظ کنند و وحدت اراده و عمل جز این نیست . باشد هر کس تحلیل خود را مطلق به عمل ناشی از آن تحلیل دست زند گونه وحدت اراده و عملی در حزب باقی حزب میتواند مسؤلیت آن عملی را که از مشی او ناشی میشود و بناچار عملی که از مشی او ناشی نمیشود ، نخواهد بود . این مطلب را باید آویزه هوش خود ساخت . کمیته مرکزی حزب ایران نه تنها اینگونه تحلیل ها و اقتبای بر آنرا نادرست و مضر میدانند هر گونه عملی را در این جهت تظلم موازین حزبی ، عدول از خط مشی و نقض مقررات اساسنامه ای حزب و های صریح رهبری در باره عدم تمر سازمانی تلقی میکند .

گفتار فوق در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۴۹ رادیوی بیگ ایران پخش شده است . خرمندان شاهنشاه ترقیخواه و مصلح و ملیر ، روشن است که جامعه شناسی علمی باین یان خندد و حکم . خلفا خلق تاریخند . را بر ازمه صادق میدانند زیرا تاریخ سرگذشت رشد مادی و معنوی ، سرگذشت مبارزات طبقاتی است در کف کار پیکار و آفرینش خلق میتوان انجام

با اینحال از آنچه که گفته شد میتوان و باید نتیجه دیگری نیز گرفت . سلسله سر - مقاله های اطلاعات نشان دهنده بحرانی در رژیم استبدادی است . نشانه آنست که خواست آزادیهای دموکراتیک حتی در محافل بورژوازی نیز رخنه کرده است و رژیم مجبور است بتجوی بدین خواست پاسخ دهد و این مطالب مؤید این نظر حزب ماست که شعار آزادیها و حقوق دموکراتیک بیش از پیش یک شعار عمومی بدل میشود و مابین رشد مناسبات سیاسی و اقتصادی در درون جامعه از سویی و شکل اداره استبدادی جامعه از سوی دیگر تضاد دمدم عمیق تری پیدامیشود . روشن است که متادبان حکومت مطلقه با توسل به فرمول « رشد فکری » و ضرورت ایجاد « دموکراسی اقتصادی » قبل از « دموکراسی سیاسی » میخواهند این خواست مبرم را معوق گذارند ، آنرا طرد و رد کنند ولی هر قدر آنان بدنبال بهانه های فلسفی بگردند ، و هر قدر که جارچیان نوظهور و سخن باز در تفسیر آیات ملوکانه با « صراحت بیشرمانه ای » سخن گویند . مردم ایران فریب نمیخورند و لاشه گندیده شوه های قرون وسطائی اداره کشور را که در آغاز قرن بیستم برای دفن کردن آن بجان کوشیده اند تا دیری بر دوش خویش تحمل نخواهند نمود .

رژیم دچار بحران و تناقضات درونی است و مسلماً نخواهد توانست در چارچوب حفظ اسلوبهای معتاد و مأنوس این تناقضات را چاره کند . این نکته ایست که باید در مبارزات علیه رژیم مورد توجه قرار گیرد . زیرا استفاده از تناقضات درونی رژیم و شناخت حدود و ثغور این تناقضات و درجه حدت آنها ، یکی از شرایط بالا بردن اثر بخشی مبارزه است .

۱ (اطلاعات شماره های دوشنبه ۲۲ و سه شنبه ۲۳ و چهارشنبه ۲۴ و شنبه ۳۰ تیر ماه ۱۳۴۹)
۲ (بعنوان نمونه از احکام تا حد مسخره آمیز عامیانه خوینست این جمله را نقل کنیم : « در میان پژوهندگان تاریخ و صاحب نظران علم الاجتماع بحثی هست که تاریخ را آیا ملتها میسازند یا شخصیتها ؟ بنظر ما شاید در خصوص کشورهای دیگری مثل آمریکا که بقول جردن ، تاریخ آنرا ملت آمریکا ساخته است موضوع فرق کند اما بنا بر تجربه ایکه تاریخ کهن کشور ما بدست میدهد ، تاریخ را در ایران همواره (۱) شخصیتها ساخته اند . جامعه شناسی و اطلاعات و مطلب را ساده حل میکند : مستر جردن میگوید تاریخ آمریکا را ملت ساخته ولی اطلاعات معتقد است که تاریخ ایران را شاهان ساخته اند و آنچه که اکنون در ایران میگذرد ، مدیون رهبری

دنباله از صفحه ۱

م قرن حزب توده ایران

« نیم قرن حزب توده ایران » عنوان مقاله ایست که روزنامه «بسیار» در ارکان مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران منتشر کرده است. ترجمه این مقاله بنظر خوانندگان عزیز میرسد.

موقفیت های تاریخی حزب توده ایران طی ۵۰ سال از زمان تأسیس حزب تا ایران در مبارزه سرشار از فداکاری استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی بدست مشکل است بتوان در چارچوب یک

روزنامه جمع بندی نمود. حزب کمونیست ایران هنگام تشکیل ارجح ترین نیرو های معنوی جامعه را به انقلابی طبقه کارگر در حال رشد داد. محفل های سوسیال دموکرات ۱۹۰۴ در شهر های بزرگ ایران داشتند. نفوذ این محافل نه تنها در صنعتی، بلکه میان بعضی از اشرار نیز گسترش یافته بود. سوسیال دموکراتان در انقلاب بورژوازی ۱۹۰۷ تا نقش مهمی ایفاء کردند. لنین و ها به نقش فعال سوسیال دموکراتهای توجه داشتند و از کمک های معنوی ب ایران دریغ نمی کردند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی روسیه به مبارزه ان علیه امپریالیسم انگلستان و فتووال خلی الهام می بخشید. ۲۲ ژوئن سال نمایندگان گروه های مختلف سوسیالیست و دستجات مسلح در شهر انزلی دریای خزر گرد آمدند و اتحاد خود داشتند و حزب کمونیست ایران را باری کردند. این حزب از لحظه خود عامل مهم قیام گیلان بود و در که در شمال ایران در نواحی خزر شد شرکت نمود. کمونیستهای ایران کیل سازمانهای سندیکائی و دهقانی و زنان در ایران نقش درجه اول شعار حل قاطع مسئله دهقانی را در

رای نخستین بار کمونیست های ایران کردند. کمونیستهای ایران بر پایه سیم-لنینیسم برای نخستین بار علل عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی ایران به و تحلیل کردند و پیوند میان ستهای خارجی و مالکان بزرگ فتووال کار ساختند و راه انقلاب ملی دموکراتیک را نشان دادند.

س از آنکه رضا شاه در سال ۱۹۳۱ کمونیست را به کار مخفی واداشت. تهای ایران در مبارزه در راه پیشرفت پیش از پیش به فداکاری برخاستند. تن از رفقای ایرانی ما در سلولهای شکنجه دیدند و نابود شدند. تهای ایران در سال ۱۹۴۱، زمانی ش سرخ وارد نواحی شمالی ایران شد سابق حزب کمونیست ایران را با ب توده ایران احیاء کردند. حوادث پس از جنگ، در جریان ترور لجام

گسیخته ای حزب توده ایران را از نو به اختفای عمیق واداشت. ولی این حزب زنده است، مبارزه میکند و نسیانده و فادار منافع زحمتکشان ایران است.

حزب توده ایران به خانواده سترگ نهضت جهانی کمونیستی و انترناسیونالیسم پرولتری کاملاً وفادار است.

حزب توده ایران برنامه خود را بر پایه تجارب عمومی نهضت جهانی کمونیستی و مقتضیات شرایط ویژه ایران تنظیم کرده است. این حزب در اسناد رسمی خود اعلام داشته است که در ده سال اخیر دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی معینی در ایران انجام گرفته که محتوی اساسی آن رشد مناسبات سرمایه داری در شهر و روستا است. پیروسه بر افتادن بقایای فتودالیسم در ایران تسریع شده است. تمام اصلاحاتی که دولت ایران به آن دست برده، از جمله اصلاحات ارضی، همه در جهت تسریع رشد سرمایه داری است.

رشد سرمایه داری در ایران همراه با تشدید وابستگی به امپریالیسم انجام میگردد. مجموعه این عوامل راه مبارزه حزب توده ایران را مشخص میسازد. برای رفقای ایرانی ما روشن است که اصلاحات کنونی، اصلاحات دیر رسی بیش نبوده و تماماً محصول فرعی نهضت انقلابی مردم ایران در دوران پس از جنگ میباشد. نهضتی که بسط یافت ولی بعلم مختلف عینی و ذهنی دچار شکست شد. رفرمهای دولت ایران مانند سایر رفرمهای بورژوازی خصلت محدود و نیم بند دارند و تضاد های عمیقی را که جامعه را از داخل متلاشی میسازد نمیتوانند حل کنند و استقلال کشور را در برابر نفوذ امپریالیسم تضمین نمایند و تضاد های موجود میان مردمی که در راه دمو-کراسی و ترقی مبارزه میکنند و مالکان بزرگ و سرمایه داری را از میان بردارند.

در مبارزات روزمره باید از کادرهای حزبی محافظت نمود و کادرهای جدیدی تربیت کرد، باید سازمانهایی را که دشمن طبقاتی در هم شکسته است احیاء کرد و توده ها را برای مبارزات سیاسی و اقتصادی آماده نمود، باید برای استقبال موج جدید نهضت انقلابی که ضرورت تاریخی آنرا جانشین دوران فروکش کنونی خواهد ساخت، آماده بود.

چنین است موضع گیری حزب توده ایران. رفقای ایرانی ما با چنین درک واقع بینانه هم با چپ روان ماوراء انقلابی و هم با کسانی که باین رفرمها پربها میدهند و به اپورتونیزم راست گرایش دارند، مبارزه میکنند.

در این مرحله بفرنج مبارزه، پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران برای تمام جنبش جهانی کمونیستی از جمله برای حزب ما - حزب سوسیالیست کارگری مجارستان فرصت تازه ای است که با ابراز همبستگی برادرانه خود حزب توده ایران را تقویت کنیم.

نیم قرن مبارزه دشوار

ایران را غیر قانونی اعلام کردند. حزب توده ایران حتی در شرایط سخت دوران کارمخفی نیز فعالیت خود را قطع نکرد و همچنان در جریانات سیاسی ایران مؤثر بود. این وضع به بیکار عظیمی بخاطر نفت ایران منجر شد که در دوران زمامداری مصدق در سالهای ۱۹۵۳-۱۹۵۰ بلوچ خود رسید. حزب توده ایران توانست عظیم ترین نیرو ها را در مبارزه بخاطر ملی کردن نفت ایران بوجود آورد، نیروئی که توانست شکست بزرگی به امپریالیسم انگلستان در خاور میانه وارد سازد. مبارزه بخاطر نفت ایران حلقه مهمی در جنبش آزادیبخش ملی کشورهای آسیا و

افریقا بود. پس از سقوط دولت مصدق در سال ۱۹۵۳ که نتیجه مداخله امپریالیسم امریکایی بود، همه احزاب سیاسی سرکوب شدند و این امر ضربه شدیدی به حزب توده ایران و همه نیرو های دموکراتیک کشور وارد آورد. بار دیگر دوران بیکردی بزرگانه نیرو های دموکراتیک و انقلابی در کشور آغاز شد. این بار هدف دستگناه ها که امحاء کامل این نیرو ها بود. ولی حزب توده ایران حتی در چنین شرایطی نیز بمبارزه در راه تجدید نیرو و ایجاد جبهه واحد دموکراتیک ضد امپریالیستی ادامه داد.

در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری سیاست حزب توده ایران بر اصول انترناسیونالیسم پرولتری مبتنی است. از همان آغاز حزب توده ایران نسبت به کمک پنج کشور عضو پیمان ورشو به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ نظر موافق داد.

حزب توده ایران همچنین در کار تدارک کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ در مسکو فعالانه شرکت داشت و رهبری حزب سند اصلی این کنفرانس را کاملاً تأیید نمود.

حزب توده ایران نیز از جریان انشعاب در نهضت جهانی کمونیستی و کارگری در امان نبود و با دگماتیسم به مبارزه برخاست. برخی از اعضا کمیته مرکزی حزب که از خط مشی چپ روانه و ماجراجوانه رهبران حزب کمونیست چین دفاع میکردند، از حزب اخراج شدند.

حزب توده ایران بمتابه ادامه دهنده مبارزه حزب کمونیست ایران از مبارزات دشوار پنجاه ساله تجارب تازه ای کسب کرده است. حزب توده ایران با در نظر گرفتن شرایط موجود، جلب همه نیرو های دموکراتیک و ضد امپریالیستی را برای پشتیبانی از مبارزه در راه تأمین آزادیهای دموکراتیک و پیروزی نهائی مردم هدف خود قرار داده است.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع دهند.

در روسیه، تشکیل گردید. علی رغم شرایط دشواری که نتیجه عقب ماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور بود، حزب کمونیست ایران موفقیت های بزرگ در فعالیت سیاسی، ایدئولوژیکی و سازمانی بدست آورد. این حزب برای متحد ساختن تمام زحمتکشان ایران بر اساس تأمین استقلال ملی و دموکراسی مبارزه خود را آغاز نمود. حزب کمونیست ایران نخستین حزبی بود که شعار حل قاطع مسئله ارضی را مطرح کرد و بر اساس تحلیل لنینی علل اصلی عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی کشور را آشکار ساخت و راه انقلاب دموکراتیک ملی را نشان داد.

حزب کمونیست ایران از همان آغاز به انترناسیونال کمونیستی پیوست و ضرورت دوستی با اتحاد شوروی و اهمیت این دوستی را برای تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور برای مردم ایران تشریح نمود.

حزب کمونیست ایران بعلم شرکت همه جانبه در مبارزه با امپریالیسم و ازتجاع بارها مورد تعقیب وحشیانه قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۳۱ فعالیت آن ممنوع گردید. ولی این حزب در شرایط دشوار مخفی نیز به اشاعه اندیشه های مارکسیستی-لنینیستی ادامه داد. بخاطر این فعالیت ها صد ها تن از فعالین حزب زندانی یا اعدام شدند.

در سال ۱۹۴۱ عده ای از کمونیست های ایران که پس از ورود ارتش سرخ بایران از زندانها آزاد شده بودند، حزب توده ایران را بنیاد نهادند. این حزب بمتابه ادامه دهنده سنن و مبارزات حزب کمونیست ایران تشکیل گردید. از نخستین روز تأسیس خود این حزب وظایف مبرم مبارزه را در آن مرحله تشخیص داد و بمبارزه ضد فاشیستی پرداخت.

بدین ترتیب حزب توده ایران جبهه ضد فاشیستی وسیعی از کارگران، دهقانان و روشنفکران دموکرات بوجود آورد. حزب توده ایران تنها حزبی بود که شعار های ضد امپریالیستی را مطرح ساخت و مبارزه در راه ایجاد جبهه واحد ضد استعمار را آغاز نمود، جبهه ای که میبایست همه نیرو های دموکراتیک و مترقی کشور را در بر گیرد.

حزب توده ایران از بدو تأسیس خود هواداران بسیاری بدست آورد و به نخستین سازمان توده ای وسیع در تاریخ ایران بدل گردید. بهمین جهت محافل حاکمه ایران برای محدود کردن نفوذ این حزب به تلاش برخاستند و در ماه فوریه ۱۹۴۹ حزب توده

با این نیت تزلزل ناپذیر در پنجاهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران، به حزب برادر ایرانی خود که با فداکاری فراوان و مبارزه سرسخت خود راه را برای آینده پرنشاط خلقهای ایران هموار میسازد، درود میفرستیم.

پرچم نبرد انقلابی را برافراشته نگه داریم

بودند؟ پس چطور شد که این «قهرمانان» ناگهان ضعیف از آب درآمدند؟ آیا این نشاختن خود و یر بها دادن بخود نبود؟ گذشته از این مگر نماندند که در ایران باید در شرایط تعقیب و زندان و شکنجه و مرگ مبارزه کرد؟ مگر فقط در شرایط فعالیت آزاد میتوان انقلابی بود و زیر فشار ضد انقلابی؟! پس فرق انقلابی با غیر انقلابی و ضد انقلابی چیست؟ نه! ضعف و تسلیم طلبی برای یک انقلابی در هیچ شرایطی توجیه پذیر نیست. یا باید از ادعای انقلابی بودن صرفنظر کرد و یا باید خطر مبارزه انقلابی را تا حد مرگ بجان پذیرفت. نهم راه وجود ندارد. درست همین دلیل است که تظاهرات انقلابی در شرایط آزاد، ولو آنکه صادفانه هم باشد، هنوز بیانگر خصلت انقلابی یک فرد نیست. آزمایش لازم است، آنهم آزمایشهای متعدد در شرایط گوناگون، تا سره از ناسره و انقلابی واقعی از انقلابی ماب و انقلابی موسمی تشخیص داده شود. ضعف و تسلیم طلبی از جانب هر که باشد محکوم است

محکوم است

برخیا که دچار هیستری ضد توده ای شده اند وقتی دیدند که توجیه ضعف و تسلیم طلبی دوستان مشکل و غلا غیر ممکن است، ضعف و تسلیم عده ای از افراد سابق حزب توده ایران را بیان کشیدند و خواستند بخيال خود بیک تیر دو نشان بزنند؛ هم سیاست ضد توده ای خود را حتی با استفاده از ورشکستگی خوش از پیش ببرند و هم ضعف و تسلیم طلبی دوستان را از اهمیت بیاندازند و بیوشانند.

ولی این تلاش بیهوده ای است. حزب ما هرگز در ضد توجیه ضعف و تسلیم افراد خود برنیامده و آنها را بلافاصله از میان صفوف حزب طرد کرده است. ضعف و تسلیم طلبی از جانب هر که باشد و بهر علتی که باشد محکوم است.

همین ضد توده ایهای هیستریک تبلیغ میکنند که گویا حزب ما از ضعف و تسلیم طلبی مخالفان خود خوشحال است و گویا بهین جهت به این مسئله تکیه میکند. در حالیکه این اتهامی بیش نیست و در واقع کافر همه را به کیش خود پندارد. ما تا کنون کرده ایم که از ضعف و تسلیم طلبی مخالفان خود که در اپوزیسیون بوده اند خوشحال نیستیم و نمیتوانیم بود، چون بهر حال این پدیده مورد سوء استفاده رژیم قرار میگردد و به جهت ضد رژیم لطمه میزند.

واقیت انقلابیگری کاذب تسلیم طلبی است

تا کید ما بر روی تسلیم طلبی گروهی از مائوئیستها نه بخاطر شخصیت آنهاست و نه برای آنست که از ضعف مخالفان خود خوشحالیم، بلکه بعلت عواقب وخیمی است که انقلابیگری کاذب، یعنی روشی که مائوئیستها و همه گروههای ضد توده ای و ضد شوری «چپ» در پیش گرفته اند، برای

ما بیاز هم هشدار میدهم

۱۳۴۶) و باز هم میگوئیم که سازمانهای جاسوسی داخلی و خارجی و در رأس آنها «سپا»، «اینتلجنت سرویس» و «ساواک» با تمام نیروی خود و با استفاده از تمام امکانات و اشکال و حتی نقاط ضعف افراد و سازمانهای ملی و دموکراتیک میکوشند به داخل این سازمانها نفوذ کنند. آنها در این کار دو هدف را دنبال میکنند: نخست آنکه از چگونگی فعالیت این سازمانها مطلع شوند و فعالان را بشناسند تا بموقع آنها را تحت فشار قرار دهند. دیگر اینکه بوسیله عوامل خود مستقیم و غیر مستقیم و با استفاده از تمام امکانات، اشکال و نقاط ضعف فردی و سازمانی در صفوف این سازمانها اختلاف و تفرقه بیندازند، آنها را از توجه بههدف اصلی خود که برای یک سازمان ملی و دموکراتیک مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است، باز دارند و یا مبارزه آنها را تضعیف کنند و

اگر کسانی، تحت هر عنوان و بهر بهانه ای که باشد، باز هم میکوشند همان سیاست و روش را در مقابل سیاست و روش حزب توده ایران ادامه دهند، ناکامی و ورشکستگی خود را تکمیل میکنند و گور خود را عمیق تر میسازند. تجربه در گذشته آنرا ثابت کرده در آینده باز هم بیشتر ثابت خواهد کرد. اگر به هشدار ما گوش فرا داده نشود، مسئولیت با خود آنهاست.

از این گونه افراد که بگنیم متأسفانه باید گفت که پدیده دیگری هم بصورت دلسردی و نومیدی و دست کشیدن از مبارزه در عده ای بروز کرده است که بنوبه خود نادرست و زیان بخش است و شاید عواقب آن برای جنبش، بویژه در بین دانشجویان در طول مدت وخیم تر است. چون قصد اصلی رژیم بویژه خنثی کردن و عقیم ساختن مبارزه ضد رژیم است. و درست برضد همین هدف شوم و شیطانی رژیم است که باید بمقابله برخاست. این مقابله هم فقط با مبارزه با انقلابیگری کاذب از یکطرف و تسلیم طلبی از طرف دیگر ممکن است و به پرورزی میرسد. باید این حقیقت را یکبار برای همیشه دانست که مبارزه انقلابی راهی بس دشوار، طولانی و پرنوع است. باید دانست که مبارزه انقلابی اشکال بکلی گوناگون و متنوعی دارد:

مبارز انقلابی کسی نیست که در لحظه ای تندترین شعارها را بدهد. مبارز انقلابی کسی است که بویژه در یکبار خود بیگین باشد، جسارت را باورش توأم کند، اشکال گوناگون مبارزه را بهم پیوند دهد، تخیل خود را بجای واقیت نگذارد و از هر امکائی برای تغییر واقیت بسود انقلاب استفاده کند. پرچم این نبرد انقلابی را حزب توده ایران برافراشته و یک لحظه هم آنرا فرود نیاورده است. از تجارب زندگی و مبارزه درس بگیریم، بدور این پرچم گرد آیم و آنرا افراشته تر بسوی پیروزی انقلاب ایران به پیش ببریم.

م. انوشه

بالاخره سیاست ضد کمونیستی خود را برای آنها در درجه اول اهمیت قرار چون منشاء اصلی ضعف این سازمانها بود، به این سازمانها تحمیل نمایند. ما بارها گفته ایم و باز هم میگویم در وضع کنونی متأسفانه بعلت وجود ارتجاع جهانی کمونیستی و بروز چپ روی هم در جنبش کمونیستی سایر جنبش های انقلابی کار سازمان جاسوسی ساده تر و برعکس کار ساز، ملی و دموکراتیک و انقلابی دشوار تر است. زیرا اگر زمانی عوامل امپریالیستی ارتجاع مجبور بودند برای پیش بردن ضد کمونیستی خود مستقیم و غیر مستقیم سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی دفاع و کار آنها بعلت بی آبرویی روز امپریالیسم و ارتجاع روز بروز مشکل تر و میشود، اکنون همین عوامل میتوانند از حتی «انقلابی» و «کمونیست» جل سازند ولی همان سیاست قدیمی ضد خود را دنبال کنند. یکی از جنبه فوق العاده خطرناک چپ روی و روش توده ای و ضد شوروی در وضع کنونی است، زیرا شناخت دوست از دشمن، از نا صادق، آگاه از نا آگاه مشکل غیر ممکن میگردد.

در برابر چنین وضعی چه باید باید وجود چنین خطری را نفی کرد به سازمانهای ملی و دموکراتیک و ره آنها بدین شد؟ باید از وجود خطر دست از مبارزه کشید؟ بهیچوجه! نه هیچکدام از این برخوردها درست نیست کاری که باید کرد اینست که باید خصم دید و شناخت و تمام جوانب آنرا با بررسی کرد. باید در انتخاب هر روشی قبل از هر چیز هدف اصلی جنبه مصالح عالی آنرا در نظر گرفت. باید بود و چنان بهانه و امکائی و فرصتی آنکه دشمن در سیاست ما تأثیر کند و سیاست ما سوء استفاده کند، بدست فقط در چنین صورتی است که میتوان دشمن را خنثی کرد، آب به آسیاب نریخت و استوار و دیگر برای خود آداه این هشاری بود که ما بهمه دانشجویان به کنفدراسیون و بهمه نیروهای اپوزی ضد رژیم دادیم. ولی هنوز از یاد نرفته که گروههای چپ رو و چپ نما چه جنبه علیه ما برای انداختند. چه ناسزا ها گفتند، چه تهمت ها زدند، چه نطقها کردند، چه نوشتند و چه قطعنامه ها صادر کردند و یکی از این جنجال چی ها و ناسزا و تهمت زنها، یکی از این نطقان و نوسان فیروز فولادی بود!

مسئولیت با کیست؟

فیروز فولادی مأمور سازمان امنیت و وظیفه جاسوسی و پلیسی خود را از مبادا تقایی که بچهره زده بود فقط و کار او بود. بر او خنجر نیفت. سنا اینست که چگونه او امکان یافت این نقار بچهره بنوین مقامات مسئولیت دار کنفدراس

درباره خلیج فارس

سال توقف این نیروها در این منطقه بر صاحبان حقیقی خلیج چه گذشت. نظر ما در این مورد مانند نظر تمام مردم این منطقه اخراج نیروهای نظامی استعمارگران است و با هر گونه ساخت و پاختی که بنحوی از انحاء وجود نیروهای نظامی انگلیس را پس از تخلیه بحرین و شرجه در جزایر مسکون و یا نا مسکون خلیج تجویز کند ولو بعنوان « سمنیک » مخالفیم. روزنامه دلیلی اسکیرس چاپ لندن در شماره ۲۰ تیر ماه خود مینویسد که حتی اماراتی که قبلاً پیشنهاد کرده بودند هزینه نیروهای انگلیسی را در آن منطقه بپردازند اکنون نظر خود را تغییر داده اند.

مسئله دوم موضوع « امنیت و ثبات » است که وزیر خارجه انگلستان آنرا مطرح کرده است. در این مورد قبل از هر چیز باید دید مقصود از امنیت و ثبات چیست و چه خطری آنرا تهدید میکند؟ تاریخ پنجاه ساله اخیر خلیج فارس نشان میدهد که امنیت و ثبات این منطقه را امپریالیست ها و در درجه اول امپریالیسم انگلستان برای بدست آوردن منافع استعماری خود بهرمزده اند و بنا بر این خروج نیروهای انگلستان خود یکی از عوامل برقراری امنیت و ثبات در این منطقه خواهد بود. حفظ ثبات و امنیت در خلیج بعهدۀ صاحبان آن یعنی تمام کشورهای مجاور و مردم آنهاست که اگر دخالت های مرئی و نامرئی استعمارگران نبیود میتوانستند با رعایت حقوق در صلح و صفا با یکدیگر زندگی کنند و از حقوق طبیعی خود در خلیج برخوردار گردند. اما واقعیت اینست که برای انگلستان امنیت و ثبات مفهوم دیگری دارد، محتوی پاسخ زاهدی باین سؤال که « آیا موضوع جنگ داخلی عمان و تحریکات رژیم چپ رویم جنوبی در مذاکرات او با سران عربستان مطرح شد یا نه؟ » نشان میدهد که بزعم حکومت ایران و همکاران او مفهوم امنیت و ثبات وسیعتر از آنچه است که از این کلمات عادتاً درک میشود. زاهدی میگوید: « وقتی چنین وقایعی در منطقه ما رخ میدهد بدیهی است که ما و دوستانمان در باره آن مباحثه میکنیم. با این حال باید این موضوع را روشن کنیم که ما به امور داخلی کشور های دیگر کاری نداریم. مگر اینکه آرامش منطقه بدین ترتیب در خطر افتد. » از اظهارات دو پهلوی زاهدی نمی توان فهمید که آیا دولت ایران مبارزات داخلی مردم سواحل خلیج را برای تغییر رژیم حکومتی کشور خویش که با زور بد آنها تحمیل شده موجب « خطر » برای « آرامش » منطقه میدانند یا نه؟ در نظر انگلستان و امپریالیستها مفهوم ثبات و امنیت بسیار روشن است انگلستان و امریکا و بطور کلی امپریالیستها و کلیه انحصارات نفتی ثبات و امنیت را در ادامه بلا مانع غارت منابع نفتی خلیج و سواحل آن، در خفه کردن هر گونه جنبش ضد

عربستان سعودی در پایتخت مسافرت عربستان سعودی اعلام داشت که « ما به ای به ادامه حضور نیروهای در منطقه خود نداریم. ما نه تنها خروج نیروهای انگلیسی از این سیم، بلکه خروج دیگر نیروهای را از تمامی منطقه خواهیم ». این نظر بین ایران و عربستان سعودی و نتیجه یک سلسله اقداماتیست که در اخیر برای رفع اختلافات بین این ر در مورد بحرین و بعضی از جزایر در باره نفت فلات قاره بعد آمده و شان میدهد که این اختلافات در قسمت رفع شده است. علاوه بر این سه عراق هم با حضور قوای نظامی بدون آنکه اختلاف خود را با سه مذکور مخصوصاً با ایران رفع کرده الف است. بنا بر این در این منطقه خ نشین ها یا امارات خلیج هستند که بعنوان « دوستان و متحدان » طرفدار ابقای نیروهای نظامی در خلیج فارس باشند. از رفت و آمد کرائیکه از طرف کشور ایران، عربستان سعودی برای جلب شیوخ بد و تا حد زیادی موفقیت آمیز بنظر روشن میشود که وضع حکومت کار در انگلستان در اجرای سیاست تن نیروهای خود در این منطقه ضعیف همین دلیل است که هیوم وزیر خارجه ن پس از مذاکرات خود با شاه ایران ثار عقب نشینی را از موضع سیاست با فظه کار نشان داد و گفت دولت لندن ندارد سیاست دولت پیشین آن کشور بر خروج نیروهای انگلیسی در سال (۱۹۷۱) بی مشورت با سران ای منطقه تغییر دهد. در صورتیکه بنحکشیور ها با هر گونه تفسیری در ست مخالفت کنند، سیاست قبلی عیناً راهد شد. هیوم اضافه کرد که « ما و عربستان سعودی و امارات خلیج ه در حفظ ثبات و امنیت منطقه ذینفع مذاکرات من با شاه ایران در مورد وش سیاسی در این زمینه بود، کرات بنا کمک خواهد کرد که خود را در مورد این منطقه شکل نك به بینیم. واقعاً چه مسأله ای در مورد رس موجود است و چگونه باید حل سئله اول حضور یا خروج نیروهای انگلستان است که روزی بقول لرد متوان مبارزه با دزدان دریائی (!) روشن (۱) بخلیج فارس قدم گذاشتند به اصلی آنها برقراری تسلط استعمار ن در خلیج و کشورهای مجاور آن کسی پوشیده نیست که طرف پنجاه

شادباش کمیته مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشانشان قبرس بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران!
رفقای عزیز!

بمناسبت پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران حزب ترقیخواه زحمتکشانشان قبرس (اکل) صمیمانه ترین شادباشهای رفیقانه خود را به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و زحمتکشانشان ایران، که از سال ۱۹۴۱ مبارزه قهرمانانه حزب کمونیست ایران را بر ضد بستگی به امپریالیسم خارجی، بقایای فئودالیسم و دیکتاتوری ادامه میدهد تقدیم می دارد.

ما ایمان شما را به آرمانهای عالی آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم، پایداری و از خود گذشتگی شما را طی سالهای مبارزه سخت بر ضد نیروهای ارتجاع و مداخله خارجی تهنیت میگوئیم. ما در برابر گروه مبارزان و اعضاء و کادر های حزب شما که جان خویش را در راه هدف خویش نهادند و یا رنج و شکنجه های موحش را در زندانها بخاطر رهبری خلق در مبارزه خویش بجان خریدند، سر تعظیم فرود میآوریم.

مردم قبرس، که مبارزه دشواری را بر ضد استعمار انگلستان از پیش برده است اکنون بر ضد مداخلات امپریالیستها و علیه توطئه آنان برای تبدیل قبرس به پایگاه موشکی بر ضد خلقهای خاور میانه مبارزه میکند. ما بمبارزه شما بخاطر مقصد مشترک و دشمن مشترک ارزش می نهمیم و آنرا درک میکنیم.

مبارزه خلقها و احزاب ما عمقاً مینهن پرستانه و در عین حال واقعاً انترناسیونالیستی است، زیرا مستقیماً به مبارزه خلقهای این منطقه، در راه صلح، آزادی و ترقی اجتماعی کمک میکند.

بمناسبت سالروز تاریخی حزب شما ما یکبار دیگر موضعگیری مشترک احزاب خودمان را تأیید میکنیم. اتحاد عمل تمام احزاب کمونیستی و کارگری امروز وظیفه مبرم و عامل قاطع وحدت تمام نیروهای ضد امپریالیستی جهان، در راه پیروزی نیرو های هوادار آزادی ملی، صلح و ترقی اجتماعی است.

ما برای حزب شما کامیابهای تازه در مبارزه گیرانقدر آن آرزو میکنیم و شما اطمینان میدهم که حزب ما و زحمتکشانشان قبرس همراه و پشتیبان شما هستند.

از طرف کمیته مرکزی اکل - دبیر کل اکل

تلگراف شادباش حزب کمونیست او رو گوئه

بمناسبت پنجاهمین سالگرد حزب کمونیست ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران!
رفقای عزیز!

هیئت اجرایی حزب کمونیست او رو گوئه بمناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران درودهای گرم خود را بشما تقدیم میدارد. ما به فعالیتی که حزب کمونیست ایران برای اتحاد طبقه کارگر و همه خلق ایران انجام داد ارج میگذاریم. ما از دشواری شرایطی که حزب شما در آن فعالیت میکند و از مبارزه ایندئولوژیک فعال شما علیه اپور - تونیستهای چپ و راست آگاهیم و اطمینان داریم که مردم ایران برهبری حزب توده زیر درفش مار کسیمس - لنینیسم این مبارزه را به پیروزی خواهند رساند.

بقیه نامه های شادباش را در صفحه ۷ بخوانید
متنویذنو - ۱۰ ژوئن ۱۹۷۰

رسمی شاه و حکومت ایران دایر بسلوزم اخراج نیروهای استعماری از خلیج و حفظ منافع کشورهای ساحل خلیج بدست خود آنها خواهد بود.

آینده نزدیک نشان خواهد داد که دولت ایران تا چه حد در اظهارات خود صادق است.

ا. گویا

توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت.

استعماری در این منطقه و در بقای نفوذ سیاسی و نظامی خود بطور مستقیم و یا غیر مستقیم بوسیله حکومتهای وابسته بارو گاه میدانند. طرح دو مسئله « ثبات » و « امنیت » از طرف انگلستان کوشش تازه است که برای ایجاد جبهه ای علیه جنبش های ملی در این منطقه با بدست آوردن جای یائی بعنوان عضویت و یا مشاورت و یا داشتن حق باز گشت نیروهای انگلستان در موقع بروز « خطر » میشود. بدیهی است که شرکت ایران در هر نوع گروه بندی که هدف آن سرکوبی جنبش مردم بنام حفظ « ثبات و امنیت » باشد و یا باقی گذاشتن جای یائی برای انگلستان در این منطقه ناقض اظهارات

در باره

ایده نئولوژی رسمی هیئت حاکمه ایران

ایده نئولوژی رسمی هیئت حاکمه ایران پیش از پیش بصورت آمیزه‌ای از احکام رفورمیستی با جنب کلیه خواستها و دعاوی رژیم سلطنت استبدادی و نظام پلیسی-میلتاریستی موجود در مآید. شاه، رهبر معنوی این ایده نئولوژی اعلام میگردد. لذا بیجا نیست که اگر باین ایده نئولوژی که افزای عوامفریبی رژیم است نام «رفورمیسم اعلیحضرتی» داده شود.

هیئت حاکمه ایران برای ایجاد و نضج دادن این ایده نئولوژی راه نسبتاً طولانی را طی کرده است. در آغاز استقرار رژیم کنونی، شاه در قبال مشی ناسیونالیستی دکتر محمد مصدق موسوم به «موازنه منفی» نظریه «ناسیونالیسم مثبت» را آورد. کتاب «مأموریت من برای وطن» را شاه در مقطع این باصطلاح «ناسیونالیسم مثبت» (که چیزی جز تسلیم به خواستهای امپریالیسم در ایران نبود)، نکاشت. در کنار این مشی گاه مستقیم و گاه بطور جنبی ایده نئولوژی شونیستی «پان ایرانیسم» که دربار و قشر فوقانی ارتش ایران همیشه تکیه گاه آن بوده ترویج میشده و گماکان میشود. این جریان که خود از زمان رضا شاه تا کنون تاریخ جایی را طی کرده است، جدا گانه در خورد بررسی است.

شایان ذکر است که یکی از سخنگویان رژیم، یعنی دکتر جلال عبده چند سال پیش از فقدان نیاز به ایده نئولوژیها، یا باصطلاح از لزوم «ایده نئولوژی زدائی» سخن گفت و دعوی کرد که برخورد «پراگماتیک» و روزمره منجوات کافی است زیرا ایده نئولوژیها موجب سرگیجه و اسباب زحمت میشود.

ولی سالهای اخیر و در زمینه برنجتر شدن نبرد طبقاتی در مقیاس ایران و جهان رژیم مجبور شد با افزایش عوامفریبانه تازه‌ای بمیدان آید. منابع این نظریات که ما آنرا «رفورمیسم اعلیحضرتی» نامیدیم، مختلف است؛ از طرفی تلقینات و راهنماییهای رایزنان امپریالیستی آنتی کمونیسم و از سوئی تأثیرات روشنفکران تسلیم طلب یا سازشکاری که در دورانی باجریان انقلابی و اپوزیسیونی همراهی داشته‌اند، در تشکل ایده نئولوژی اعلیحضرتی مؤثر بوده است.

ثوری تازه شاه بنا باصطلاح مطلوب خود او «انقلاب سفید» نام دارد و شاه آنرا در کتابی بهمین نام عرضه داشته است. عناصر تسلیم طلب که در این اواخر مقالات و مصاحبه‌هایی بسود رژیم ترتیب داده‌اند (از قبیل مهندس پرویز نیکنخواه) با حرارت و قیافه یک مبتکر و کاشف، همین ایده نئولوژی را تبلیغ می‌کنند و باصطلاح از مائوئیسم گسیخته به «پهلویسم» پیوسته‌اند!

اگر از روی کتاب و مصاحبه‌های متعدد شاه و اظهارات نخست وزیر هویدا و

از گمان حزبی او «ندای ایران نوین» و بیانات دیگر جارچیان و چاپلوسان رژیم بخواهیم احکام اساسی این ایده نئولوژی دولتی را بیان داریم ترازنامه زیرین حاصل میشود:

۱- ایران باید از جهت اقتصادی براه سرمایه داری برود ولی نه تقلید کامل از سرمایه داری غرب، بلکه اختراع آنچهان سرمایه داری ویژه‌ای که بقول خداداد فرمانفرمایان منجر به قطب بندی جامعه و پیدایش تضاد فاحش فقر و ثروت نشود؛ البته منظور فرمانفرمایان از این سرمایه داری معجز آسا همان ثوری کدائی «سرمایه داری خلقی» است که سالیان درازی است در امریکا و اروپای غربی بیان کشیده شده است. مقصود از این ثوری آنست که باید از راه ایجاد شرکتهای تعاونی و سهام کردن هرچه بیشتر مردم در مؤسسات سرمایه داری، مالکیت سرمایه داری «پخش گردد» تا قشرهای هر چه بیشتری به بقای مناسبات سرمایه داری ذیمدخل شوند. روشن است که در اینجا هیچ «راه سومی» در آنسوی سرمایه داری و سوسیالیسم در میان نیست بلکه فقط منظور بکار بردن مکانیسم‌های ظریف تر برای مستور ساختن ماهیت استثمار گرانه و ددمشانه سرمایه داری است. «شرکتهای تعاونی روستائی» «شرکتهای سهامی زراعی»، «شرکتهای توزیع و مصرف» «سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها» و غیره، اشکال مختلف این مکانیسم «سرمایه داری خلقی» در ایران است.

ادعای آنکه ایران باید براه سرمایه داری برود باین آشکاری از طرف همه کس بیان نمیشود. گاه حتی از «سوسیالیسم» هم سخن می‌گویند و مدعی هستند که فرمولهای معجز آسائی یافته‌اند که میتواند سرمشق عالم و عالیان قرار گیرد. ولی در عمل سرمایه داری و ویژه بدترین شکل آن یعنی سرمایه داری وابسته بامپریالیسم، با تسلط روز افزون بخش خصوصی که تمام عواقب کلاسیک خود را ایجاد می‌کند در مهن ما تسلط روز افزون می‌یابد. در این باره تحلیل رسمی حزب مطلب را روشن ساخته است.

۲- از رفورمهای نیم بند و سطحی که در کادربسط مناسبات سرمایه داری است بعنوان تحقق عظیم ترین «انقلاب» سخن میرود. در واقع شاه آنرا «انقلاب زیرورو کننده» مینامد، ولی البته بزعم سخنگویان رژیم، این انقلاب یک «انقلاب سرخ» نیست بلکه یک «انقلاب سفید» است. این تقسیم مضحک و عامیانه انقلاب به سفید و سرخ یکی از «اختراعات» شاه و هیئت حاکمه ایران است. هر کس که ولو اندکی از تئوریهای اجتماعی خبر داشته باشد میداند که انقلاب یعنی تحول بنیادی و کیفی اجتماع بصورت انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات ارتجاعی بدست طبقات مترقی و تحول طلب. این انقلاب میتواند با

خون، بیخون، قهر آمیز، مسالمت آمیز انجام گیرد. محتوی عمده انقلابات تغییر شکل مالکیت است و در انقلاب سوسیالیستی مالکیت سرمایه داران بر وسایل تولید و مالکان بر زمین جای خود را بمالکیت اجتماعی میدهد. لذا انقلاب سرخ و سفید ندارد و آنچه که در ایران می‌گذرد ابتدا و اصلاً انقلاب نیست، بلکه یک سلسله اقدامات نارسا در ده برای جانشین کردن زمینداری بزرگ سرمایه داری بجای رژیم ارباب رعیتی سنتی است که آنها با سیری متناقض و کند و همراه با انواع رشوه ها به مالکان و انواع فشارها به دهقانان انجام میگردد. بقیه اقدامات رژیم از نوع تدابیر متداول در کشورهای سرمایه داری است که دارای هیچگونه محتوی جدی از جهت تحول اجتماعی نیست.

گفته میشود که چون «انقلاب عظیمی» در ایران در جریان است لذا دیگر احتیاجی به مبارزه انقلابی نیست و باید درست به هیئت حاکمه و شاه پیوست و فویش نقش را بزین و ناصح مؤدب و مطیع و متلفی را بازی کرد و خاصهانه ارائه طریق نمود و در عین حال هم نظر خود را جلوه‌ای از منویات ملوکانه نشان داد. بدینسان رفورم عملا عالی ترین شکل تحول اجتماعی معرفی میشود و انقلاب اجتماعی بمشابه قیام و اقدام علیه رژیم طرد و با اعدام مجازات میگردد، زیرا تنها آن انقلابی مجاز است که اعلیحضرت می‌کند و انواع دیگر انقلابات ممنوع است.

۳- بعنوان رژیم سیاسی دولت مدعی است عالی ترین شکل دمکراسی را برهبری شاه یافته است. مدعی میشوند که در ایران «بجز آزادی خیانت» همه گونه آزادی وجود دارد و اما خیانت هم یعنی مخالفت با شاه. در واقع حتی بازی با الفاظ مارکسیستی اگر در کادر ابراز ارادت بشاه باشد مجاز است ولی جدی گرفتن کمترین شعار لیبرالیستی بورژوائی که منجر بمخالفت با شاه شود سخت «قدغن» است. زیرا شاه، بنا بادعای خود او و اطرافیانش تنها یک سلطان عادی نیست و بلنگه پدر و رهبر و «عقل اول» انقلابی است و «منویات او» جامع کلیه حقایق است و کار دیگری نیست جز درک این منویات و اجراء آن. حزب «ایران نوین» و «مردم» مدهاست بر سر درک و اجراء این منویات با هم مشاجره دارند و با آنکه هر دو در پیخ گوش اعلیحضرت فعالیت می‌کنند، وی بآنها نمی‌گوید بالاخره کدامشان منویات را بهتر فهمیده‌اند. این کیش شاهی با این تأکید قرون وسطائی البته با آن دعاوی دور و دراز انقلابی و سوسیالیست نما «لایبچسک» است ولی رژیم مانعی در حفظ تمام این عناصر متضاد در کنار هم نمی‌بیند. در مورد دموکراسی این نکته را هم باید افزود که مدعی هستند ایران هنوز «رشد معنوی و فکری» برای دموکراسی سیاسی ندارد و اول باید «دمو-کراسی اقتصادی» برقرار شود. ولی معنی دموکراسی اقتصادی یعنی لغو استثمار انسان از انسان و روشن است رژیم که خود حامی استثمار سرمایه داری و استثمار نوین است نمیتواند موجد دموکراسی اقتصادی باشد.

۴- مبارزه طبقاتی که شا «نفرت طبقاتی» مینامد با شدت طرد دعوی میشود آنچه که ایران بآن دارد «وحدت ملی» در زیر ره است. دعوی میشود که گویا در جها مبارزه طبقات منافع عالی ملی ما را میاندازد و کشور را بسوی هرج و خطرات پیش بینی ناپذیر میرسد. البته اجراء های محکم برای سرکوب طبقاتی وجود دارد، سازمان امنیت با شکنجه، داد گاههای در بسته نظامی، اعدام. حزب توده ایران بمشابه مظهر «سرخ» و «مبارزه طبقاتی» دشمن شده اعلام میگردد. مصاحبه‌های اخیر شاه واضح است که از قول تسلیم طلبان اخیر نقل شده بخوبی نشان میدهد که هدف اصلی و نابود کردن حزب توده ایران در اینجا هدف هیئت حاکمه عمل است. برخی از گروههای اپوزیسیون میگردند زیرا آنها خواه خواهند خواه مانند رژیم منحل کردن حزب تود را هدف مستقیم خود قرار داده‌اند. شه است که یکی درست بندی راست و دی، بسته بندی چپ عرضه میشود.

مسئله نفی «مبارزه طبقاتی» «وحدت ملی» تهنه نوی در ایران و نیست. همیشه دولتهای بورژوائی مدعی که مبارزات طبقاتی به «مصالح عالی» صدمه میزند یعنی در واقع طایفه‌اند طبقات زحمتکش مطالبات خود را پیشرفت مطالبات سیاسی و اقتصادی بورژوازی مسکوت گذارند و تسلیم دیکتات بورژوازی شوند. این یکی از آن فریب‌ها و نقل بزرگ است که تحت بهانه «میهن پر» میان کشیده میشود. حزب ما این تز ضد انقلابی را بشدت رد میکند و هیئت «مصالح عالی» ای را نافی مبارزه نمیداند بلکه بر عکس مصالح عالی کشور در پیشرفت منافع طبقات زحمتکش انقلاب اجتماعی، در پیروزی سوسیالیسم می‌ادعا میشود که سیاست ایران «مستقل ملی» است و امپریالیستها در گرفتن مشی سیاسی دولت ایران نفوذ ملاحظه‌ای ندارند و ایران بین شرق و مستقلا راه ویژه خویش را برگزیده طی می‌اگر توجه کنیم که عمده منبع درآمد ما از نفت است که در کنترل امپریالیستی و در بازرگانی خارجی ما بخش واددات بیش از ۶۰-۵ برابر بخش صادرات غیر (است) در دست امپریالیستهاست و ایران زیر بار سنگین قرضه امپریالیستی است اگر توجه کنیم که ایران عضو یا کت است و با امریکا قرارداد دوجانبه و قرار کابینولاسیون و غیره امضاء کرده و بی هزار نفر مستشار امریکائی ارتش ما قبضه دارند، اگر توجه کنیم که هم شناسان هیئت حاکمه ایران اعضاء لژ فراماسیون و سازمانهای امپریالیستی «کلوب» «لاینس»، «زوتتا» «تسلیم اخلاقی» و غیره هستند، اگر توجه کنیم دنباله در صفحه

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

بست بیست و پنجمین سال تأسیس جمهوری دمکراتیک ویتنام

د ساخته و میسازند . قهرمانی بی نظیر ، جانبازی ، از خود گمی و ایستادگی در پیکار و اراده پذیر مردم ویتنام برای نیل به پیروزی احیای وحدت خاک مین خویش مایه تحسین تمام ترفیخواهان و مین پرستان است . جامعه ترفیخواه بشری در برابر رمانان جنبش آزادیبخش ضد امپریالیسم سر تعظیم فرود مآورد . امپریالیسم امریکا با خروج بخش از نیروهای عظیم سرمایه مسلح خود با افکار عمومی جهان را بشرید و خود دار برقراری صلح در ویتنام جلوه دهد . بن ددمنش امریکائی در لافاه « ویتنامیزه جنگ در ویتنام جنوبی تجاوز خود سراسر خاک ویتنام ادامه میدهند . نیروهای اشغالگر امریکا دامنه مداخله خود را به کشور بیطرف کامبوج

بسط داده اند . ولی تردید نیست که تجاوز امپریالیسم امریکا در قبال قهرمانی و پیکار عادلانه خلق ویتنام محکوم بشکست حتمی است . پیروزی نهائی با خلق قهرمان ویتنام است . نیروهای امپریالیستی باید گور خود را از خاک ویتنام و از سراسر منطقه هندوچین گم کنند . کشور نیرومند اتحاد شوروی ، تمام کشور های سوسیالیستی و سراسر جامعه ترفیخواه بشری پشتیبان پیکار آزادیبخش مردم ویتنام هستند . رفقای عزیز ! در این سالروز بزرگ کامیابهای تازه شما را در پیکار مقدس شما علیه امپریالیسم امریکا ، در راه آزادی و احیای وحدت تمام خاک مین زجر کشیده شما ، در راه تحقق بهترین آرمانهای خلق قهرمان ویتنام صمیمانه آرزو مندیم .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

کمیته مرکزی حزب توده ایران !

رفقای عزیز ! بنسبست پنجاهمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران شما و توسط شما تمام اعضای حزب توده ایران شادباش ها و درود های برادرانه خود را تقدیم میداریم . حزب توده ایران که ادامه گر راه حزب کمونیست ایران است در پرتو شهامت و قهرمانی مجاهدان خود و همه زحمتکشان در راه دموکراسی و استقلال ملی مبارزه کرده و میکند . حزب توده ایران علیرغم تضییقات خشن رژیم ارتجاعی علیه صدها تن از رفقای شما که در تبعید گاهها و زندانها رنج میبرند از مبارزه شجاعانه علیه تسلط امپریالیسم بر کشور شما و علیه رژیم ضددموکراتیک و از مبارزه در راه حاکمیت ملی و آزادیهای دموکراتیک و ترقی جامعه دست برنداشته است . حزب کمونیست ایتالیا بنسبست پنجاهمین سالگرد حیات شما مراتب همبستگی آکتیو و احساسات برادرانه بیان میدارد و کامیابی در پیکار مشترک علیه امپریالیسم ، دموکراسی و صلح را برای شما آرزو مند است .

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا

گواهی دوستان

در باره کمک های اتحاد شوروی به جنبش های آزادیبخش ملی منتشر شد .

ما باز هم هشدار میدهیم

برسد و مشر و مشار گروههای مائو . گستی قرار گیرد ؟ جز ایستکه او توانست خود را ضد توده ای و ضد شوروی پرحرارتی از «چپ» نشان دهد ، یعنی همان سیاستی که از طرف گروههای مائوئیستی و همه ضد توده ایها و ضد شورویهای «چپ» دنبال میشود ؟ آیا مسئولیت فراهم کردن این نقاب برای جاسوسان سازمان امنیت با کسانی نیست که از موضع «چپ» سیاست ضد توده ای و ضد شوروی را دنبال میکنند ؟ با کسانی نیست که ماجراجویی و انقلابیگری کاذب را جانشین سیاست واقعی انقلابی ساخته اند ؟

ما باز هم هشدار میدهیم

ما در گذشته هشدار دادیم که امپریالیسم هدف اساسی خود را مبارزه بر ضد اتحاد شوروی قرار داده است و ارتجاع ایران مبارزه بر ضد حزب توده ایران ، ما هشدار دادیم که انقلابیگری کاذب به تسلیم طلبی منجر میشود . ما بهمه گروههایی که از «چپ» این سیاست را دنبال میکنند هشدار دادیم که در این سیاست خود تأمل کنید . نگذارید دشمن از این وضع بریان جنبش ملی و دموکراتیک ایران و از جمله جنبش دانشجویان ایرانی و کنگدزاسیون سوء استفاده کند . نگذارید عوامل دشمن از این آب گل آلود ماهی بگیرند و خود را بنام «انقلابی» و «کمونیست» بین شما جا بزنند . در گذشته واکنش «انقلابیون» باین هشدار ما جنجال ، ناسزا و تهمت بود . این واکنش برفع دشمن تمام شد چون در جهت تشدید تبلیغات ضد توده ای و ضد شوروی و انقلابیگری کاذب انجام گرفت . ولی زندگی نشان داد که حق با ماست . و اکنون که نقاب از چهره یک عامل دشمن برداشته شده ما هشدار باش خود را تکرار میکنیم :

ترک سیاست ضد توده ای و ضد شوروی و چپ روانه — چنین است یکی از مهمترین مسائل مبارزه بادشمن و جاسوسان وی . باشد که این هشدار ما این بار درین عناصر گمراه ولی با حسن نیت گوش شنواتری پیدا کند و نیرو های ملی و دموکراتیک بتوانند با یک سیاست واقعا انقلابی ، که فقط بر اساس همکاری با حزب توده ایران طرح و تحقق آن ممکن است ، توطئه ها و خرابکاریهای دشمن را افشاء و خنثی کنند و جنبش انقلابی ایران را بسر منزل مقصود برسانند .

م نوری

هموطنان عزیز !

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بیك ایران ' ماهنامه مردم ' مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکتبه کنید . نظریات ، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید .

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

«نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدینوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده پردازند .
- ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود پردازند .
- ۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمک کنند .
- ۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .
- ۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود داری فرمایند :

منتخابات لنین ، دولت و انقلاب ، لودویگ فویرباخ ، حق ملل در تعیین سرنوشت ، سخنرانی لنین در دومین کنگره کمونیستهای خاور زمین ، گئومات و آخرین دفاع روزبه .

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	» ۴۰
مجله مسائل بین المللی	» ۲۰
مانیفست	» ۴۰
سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴	» ۴۰
انقلاب اکبر و ایران	» ۸۰
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	» ۲۰
اصول فلسفه مارکسیسم	» ۲۰
پاداشتهای فلسفی و اجتماعی	» ۴۰
هیجدهم برومر لوتی بناپارت	» ۴۰
خان و دیگران	» ۱۰
پادنامه شهیدان	» ۲۰
رژیم ترور و اختناق	» ۱۰
خیانت او بوطنش	» ۲۰
توده ایها در دادگاه نظامی	» ۲۰
القای مبارزه	» ۱۰
استاد کنفرانس مسکو	» ۲۰
گواهی دوستان	—

شماره حساب بانکی بیك ایران ، ماهنامه مردم ، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است :

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

توجه

بزودی کتاب « برخی بررسیها در باره جهان بینها و جنبشهای اجتماعی در ایران » منتشر خواهد شد .
دفاعیه خسرو روزبه تجدید چاپ خواهد شد .

ارزیابی وضع کنونی ایران از لحاظ جنبش

(گفتگویی با رفقای حزبی ما در کشور)

در هفته های اخیر یکی از رفقا نوشته هایی برای ما ارسال داشته است که ما ضرور میدانیم نظر خود را در باره آن نوشته ها به سمع شنوندگان گرامی برسانیم ، زیرا : اولاً این نوشته ها حاکی از يك ارزیابی غیر واقع بینانه از وضع کنونی کشور است و بز پایه این ارزیابی نادرست ، نتیجه گیریهای میشود و شعارهایی داده میشود که بناچار و بنوبه خود نادرست و دور از واقعیت و حتی بالاتر از آن ماجراجویانه است ، ثانیاً احتمال بسیار میرود که این طرز قضاوت ، منعکس کننده نظر آنها فرستنده این نوشته ها نباشد ، بلکه افراد دیگری نیز بدین شیوه بیان میشوند و در انصورت زبانهای ناشی از این طرز قضاوت و عملی که ممکن است از آن ناشی گردد ، بیشتر میشود . ما وظیفه خود میدانیم که به توضیحات مکرر سابق خود در باره تحلیل وضع کشور ، در تأیید و در چارچوب همان تحلیل ، توضیحات تازه ای را بیافزاییم تا اگر افرادی از روی صداقت و حسن نیت انقلابی دچار گمراهی شده اند بموقع توجه کنند و بدنبال يك سلسله مقدمات غلط ، دچار يك سلسله نتیجه گیریهای غلط تر نشوند و بویژه به عملی که ناشی از احساسات شتاب زده باشد کشیده نگردند .

اینک به بنیم رفیق مورد بحث در نوشته های ارسالی خویش چه میگوید ؟ وی مینویسد : «واقیات عینی حکایت میکند که فعالیت توده ها اوج گرفته است . با بهره برداری از این شرایط مناسب عینی ، میتوان راه واز گونی رژیم سلطنتی را از هر جهت فراهم کرد.» در توضیح این حکم و نتیجه گیری ناشی از آن رفیق نامبرده مینویسد : «حکومت تدریجاً شایستگی خود را از اداره کشور با الگوی عوامفریبی و فشار و اختناق ، از دست میدهد . این حقیقتی است انکار نشدنی که دیوار سکوت هفده ساله شکسته شده است . شرایط عینی بطرز محسوس بنفع مردم تغییر کرده است و وضع انقلابی بتدریج فراهم میگردد... حکومت با شیوه های دیرین و ابتکاری خود قادر باداره نیست . زیر دستان نمیخواهند و زبردستان نمیتوانند . اینست شرایط نوین کشور ما.»

در توضیحات دیگر خود رفیق نامبرده تصریح میکند که گویا وضع انقلابی هم اکنون بوجود آمده است و شرایط نوین باید موجب تغییر در تاکتیک حزب طبقه کارگر شود و بر آنست که اگر این تغییر تا کنیک رخ ندهد میدان برای مبارزات خود بخودی قهر آمیز گشوده خواهد شد .

بدین ترتیب خلاصه کلام رفیق نامبرده آنست که شرایط عینی انقلابی در ایران وجود دارد یا بسرعت پدید میآید و لذا شمار تا کتیک کنونی ما چنانکه این رفیق تصریح میکند میتواند و باید شمار سرگونی رژیم باشد و ضرور است که همه فعالیتهای سیاسی و سازمانی ما در این مسیر سیر کنند .

مابین این تحلیل که ذکرش گذشت و تحلیل متداول عناصر چپ رو که حزب ما در سالهای اخیر با آن مبارزه میکند تفاوتی از جهت مضمون نیست . جز آنکه نویسنده نامه مورد بحث نسبت به حزب نظر انکار آمیز چپ روها را ابراز نمیدارد و از موضع يك عضو حزب سخن میگوید و نگرانی او ظاهراً از آنست که مبدا چپ روها يك جریان قهر آمیز خود بخودی پدید آورند و ابتکار تاریخی را بدست گیرند .

پیش از آنکه نظر خود را در باره نادرستی این تحلیل بیان داریم باید تصریح کنیم که ما نیز معتقدیم که در دوران اخیر بر فعالیت مبارزه جویانه توده های مردم ایران بر ضد رژیم بشکل محسوس افزوده شده است . البته ما با نظر نویسنده نامه که با ردیف کردن یکسلسله فاکت های بزرگ و کوچک ، جدی و غیر جدی ، واقعی و غیر واقعی میکوشد منظره ای از وجود شرایط مساعد عینی جوش و خروش انقلابی برای سرگونی رژیم پدید آورد موافق نیستیم . ولی بررسی همه جانبه وضع سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی ایران ، سیاست داخلی و خارجی رژیم ، زندگی مردم ، وضع جنبش و غیره و مطالعه واقعات اخیر مانند اعتصابات و تظاهرات بوضوح نشان میدهد که پیش از پیش بیخ سکوت میشکند ، رعب از رژیم ترور و اختناق و سازمان امنیت فروکش میکند ، ماهیت اقدامات عوامفریبانه و تدابیر ضد توده ای رژیم برملا میگردد و کشور بسوی اعتلاء نوین جنبش میرود ولی ما بین سرسویی يك اعتلاء نوین جنبش با خود این اعتلاء و نیز مابین اعتلاء جنبش و وضع انقلابی تفاوت صریح وجود دارد و تمام اهمیت و دقت مسئله از جهت ارزیابی درست وضع در درک همین تفاوت ها و سایه روشن هاست .

از مشاهده نوشته های مختلف رفیق مورد بحث برمیآید که وی از تحلیل مارکسیستی - لنینیستی وضع انقلابی در جامعه اطلاع کافی و دقیق ندارد و نه فقط کمی اطلاع از تئوری انقلابی ، بلکه نوعی بی اعتنائی به تئوری انقلابی و پربها دادن به نتیجه گیری های عجولانه و مشاهدات روزمره نیز از خلال این نوشته ها دیده میشود . اگر ما نخواهیم گمراه شویم ، اگر نخواهیم به شعار های عوامفریبانه دل به بندیم و یا خود به عوام فریبی و گمراه کردن دیگران بپردازیم ، وظیفه داریم بر خورد جدی به تحلیل علمی و عمیق حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران را هرگز از نظر دور نسازیم و عقل و قضاوت و دید انفرادی خویش را بر عقل و قضاوت جمعی حزب مقدم ندانیم .

تحلیل حزب ما حاکی از آنست که در شرایط کنونی هنوز وضع انقلابی در کشور بوجود نیامده است . مشخصات وضع انقلابی را لنین روشن ساخته است : این

ما به تضییقات رژیم

شدیدا معترضیم

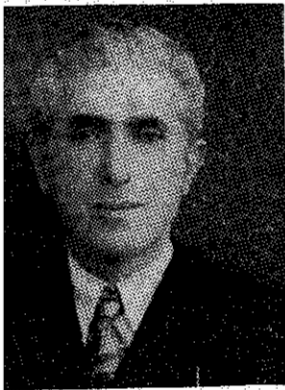
با تشدید مبارزات قشرهای مختلف مردم میهن ما موج جدید فشار و اختناق هر روز گروههای تازه ای را در بر میگردد . عده ای از هنرمندان و نویسندگان مترقی ایران ، جمعی از روحانیون و تعداد زیادی از دانشجویان مبارز دانشگاههای تهران از طرف مأموران سازمان امنیت بازداشت و زندانی شده اند . بقرار اطلاع آیت الله سعیدی که در اردیبهشت ماه امسال بحرم پیش اعلامیه اعتراض علیه سرمایه گذاری انحصارات امریکائی در ایران و تشدید وابستگی سیاسی و اقتصادی کشور ، از طرف سازمان امنیت دستگیر و زندانی شده بود ، بر اثر شکنجه های وحشیانه در زندان در گذشته است . مهندس «نیک داودی» فارغ التحصیل پلی تکنیک نیز که مدتی پیش بازداشت شده بود ، مجدداً زیر شکنجه قرار گرفته و در نتیجه در زندان جان سپرده است .

رادیو پیک ایران ، ارگان تبلیغاتی حزب توده ایران بموقع به این آدمکشی ها و اقدامات ضد قانونی رژیم اعتراض نموده و از محافل دموکراتیک ایران خواستار افشاء بیش از پیش ماهیت مستبد رژیم شده است . اکنون ما بار دیگر به جنایات رژیم شدیداً اعتراض نموده و آزادی فوری بازداشت شدگان را طلب میکنیم .

مشخصات عبارت است از بالا رفتن فوق العاده و بیسابقه فعالیت انقلابی توده ها و آمادگی آنها برای جانبازی در راه هدف انقلابی از سویی و عجز دستگاه دولتی برای اداره امور کشور یعنی بروز بحران عمومی در نظام موجود از سوی دیگر . تکجوشها ، اقدامات جدا جدا ی افراد و گروهها ، جوش و خروش انقلابی مآبانه عناصر چپ رو ، تشدید نوبتی تناقضات گروه بندیهای هیئت حا که ، با تمام اهمیتی که از جهت تاکتیکی برای حزب طبقه کارگر دارد ، هنوز بمعنای وضع انقلابی نیست . البته باید از همه عوامل برای پیشرفت مبارزه توده ها استفاده کرد و از جنبش عقب نماند ولی نباید دچار گمراهی و پربها دادن به عواملی که دارای اهمیت و ارزش محدود هستند شد .

تحلیل حزب ما حاکی از آنست که در شرایط کنونی وظیفه عبارتست از نبرد در راه يك سلسله شعار های تاکتیکی مبرم که مهمترین آنها مبارزه در راه آزادی و حقوق دموکراتیک است .

ما برآنیم که توده ایها باید در فعالیت های صنفی و سندیکائی فعالانه شرکت جویند . از مبارزات مطالباتی مردم با از خود - گذشتگی حمایت کنند . مبارزات مطالباتی را بمبارزات سیاسی بدل نمایند . سازمان حزب طبقه کارگر را با دقت و حزم فراوان بر اساس عدم تمرکز ، تلفیق کار مخفی و علنی ترجیح کیفیت بر کمیت بوجود آورند ، در دنباله در صفحه ۲



شادروان محمد علی شریفی

بطوریکه در شماره پیشین ماهنامه به اطلاع خوانندگان گرامی رساندیم محمد علی شریفی از اعضای پرسابقه پس از مدتی بیماری در هشتمین سال در تهران در گذشت .

شادروان شریفی از اوان جوان جنبش های آزادیخواهانه میهن ما بیوه

سراسر عمر خود را وقف خدمت به زحمت ایران و حزب طبقه کارگر نمود . در ۱۳۰۱ بعضوت حزب کمونیست درآ

در سال ۱۳۰۳ روزنامه «پیک» را هوادار آزادی و دموکراسی بود در منتشر نمود . رفیق فقید پس از تأسیس توده ایران ، همواره یکی از فعالین بر حزب بود و مسئولیتهای مهمی نظیر مشور کمیته انالتی گیلان را بر عهده داشت . در شریفی بگناه فعالیت در صفوف حزب که نیست و سپس حزب توده ایران بارها دست و زندانی شد ولی هرگز از مبارزه در دفاع از منافع زحمتکشانش دست نکشید و پایان زندگی به آرمانهای عالی انسان وفادار ماند .

مرغ طوفان چه کند نم نم باران

نیست شکی که نشد راهسپاران را بهد دست ، مگر پای فشاران را

آنکه او نیست ز پیمان شکن ، یکد نگسلد پیش رفیقان صف یاران ر

تو عقابی و تو را چرخ برین شاید خورش سرد به زمزه ماران را

چشم شاهین نشود خیره ز یک دانه «مرغ طوفان چه کند نم نم باران را»

نه همان در بروی دشمن دون بر بند راه بر رخته مدم و سوسه کاران را

صد هوار از دل این خلق برون جوشد گو برنجیر کشد خصم هزاران را

ای پرستو چو زمستان بره باد است دمیدم تازه کن امید بهاران را

س